تأیید احتمال دوم در «ازده» در روایت ابی‌خالد

استاد: ببینید این روایت برای زمان امام باقر است. اگر شما هم روایتی را پیدا کردید به من هم بگویید. فعلاً در ذهنم تنها روایتی است که لسانش خیلی نزدیک «ازده» به احتمال دوم است. چرا؟ چون با نیت هم جور نیست. اگر «ازده» را با نیت جمع کردیم، نیت روشن است. قصد میکند از ماه مبارک. خب «ازده». چرا قصد میکنی و حال اینکه یوم الشک است؟!

> **عن أبي خالد الواسطي قال: أتيان أبا جعفر عليه السلام في يوم شك فيه من رمضان فإذا مائدته موضوعة وهو يأكل ونحن نريد أن نسأله. فقال: ادنوا الغداء إذا كان مثل هذا اليوم ولم تجئكم فيه بينة رؤيته فلا تصوموا إلى أن قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: من الحق في رمضان يوما من غيره متعمدا فليس بمؤمن بالله ولا بي**[1]

«أتيان أبا جعفر عليه السلام في يوم شك فيه من رمضان فإذا مائدته موضوعة»؛ بر حضرت وارد شدیم سفره پهن بود. **«و هو يأكل ونحن نريد أن نسأله»**؛ آمده بودیم از ایشان بپرسیم که یوم الشک است، چه کنیم؟

«فقال: ادنوا الغداء»؛ بیایید جلو بخورید. **«إذا كان مثل هذا اليوم ولم تجئكم فيه بينة رؤيته فلا تصوموا»؛** لسان را ببینید. فلاتصوموا، یعنی فلاتصوموا علی انه من رمضان؟! لسانش به این میآید؟! سفره پهن بود، حضرت هم فرمودند وقتی بینه نیامده فلاتصوموا. یعنی «فلاتصوموا علی انه من شهر رمضان»؟! استظهار من از این حدیث این است که لسان حدیث میگوید وقتی بینه نیامد روزه نگیرید، تمام.

«إذا كان مثل هذا اليوم ولم تجئكم فيه بينة رؤيته فلا تصوموا»؛ این یعنی فلاتصوموا علی انه من رمضان؟! لسان این لسان نیست. مخصوصاً اینکه سفره پهن است. لذا یعنی این روزه را نگیرید. ما میخواهیم که روزه نباشید. چرا؟ چون بینه نیامده است. ماه مبارک برای خودش حسابی دارد. وقتی وارد شد با تعظیم، با اجلال، با یقین به اینکه شهر الله است، فریضة من فرائض الله موضوعش بالفعل شده، میخواهیم اینطور باشد. لذا فلا تصوموا.

«إلى أن قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم»؛ استشهادشان خیلی جالب است. **«من ألحق في رمضان يوما من غيره متعمدا فليس بمؤمن بالله ولا بي»**؛ قبلش حضرت فرمودند بیایید بخورید و روزه نگیرید، لذا حضرت «من ألحق» را چطور معنا کردند؟ یعنی «الحق علی انه من شهر رمضان»؟ یا عملاً الحاق کرده باشند؟ چون خود حضرت فرمودند «فلا تصوموا».

شاگرد: اگر «ألحق» قرینه باشد، آن هم برای نیت می‌شود.

استاد: فرمودند «فلاتصوموا»، آن‌ها هم که روزه بودند. ظاهرش هم این است که روزه‌شان را نخورده بودند. چون آمده بودند سؤال کنند. مثل روایت معمر که حضرت می‌فرمایند شما روزه باشید اما به نیت شعبان. اینکه مانعی نداشت. اما چرا می‌گویند بیایید روزه خود را بخورید؟! لسان «فلاتصوموا» لسان این نیست که من با نیت شما کار دارم، الآن روزه هستید، نیت کنید که برای شعبان است، من هم مشکلی ندارم. ولی امام این را نفرمودند. بلکه فرمودند بیایید بخورید. لاتصوموا؛ جد ما فرمودند «من الحق..». اگر این الحاق، الحاق به نیت بود که باید برایشان توضیح بدهند. بگویند جد ما فرمودند «من الحق علی انه من شهر رمضان».

> 24:03

شاگرد: نهی در مقام توهم امر است. چطور برعکس آن ترک می‌شود. ظاهر اولیه الحق در نیت است. نه اینکه عملاً باشد.

شاگرد۲: تعبیر «متعمدا» با نیت نمی‌سازد؟

استاد: نه، تعمد یعنی جهل. متعمدا یعنی یکی جایی است که جاهل است، در زندان است، اسیر است، در آن جا تعمد نیست. اما جایی که لم تجئکم بیّنه، هیچ مشکلی ندارید، اگر در اینجا شما این کار را بکنید الحاق عملی است. البته من نگفتم صد در صد است. لذا عرض کردم به گمان من لسانش نزدیک به آن است. معنایش این نیست که احتمالی که شما می‌گویید صفر است. این در ذهن من هم بوده که آن فرمایش شما مشکلی ندارد. احتمالش صفر نیست. در اینکه در آن جا هم مقصود به نیت حمل شود. ولی مجموع قبلش و بعدش و نهی، ترجیح را به جانب این می‌برد که الحاق، الحاق عملی است. لم تجئکم بینة فلاتصوموا. نه اینکه صوموا علی انه من شعبان. چون جای این بود که امام علیه‌السلام توضیح بدهند.

شاگرد: «فی» در «ألحق فی» قرینه نمی‌شود که الحاق عملی باشد؟ چون «ألحق بـ» نیست. یعنی ادخال در رمضان هم در آن اخذ شده.

استاد: بله، اشراب شده. یعنی یک نحو محویت نیت برداشته می‌شود. شما هم اگر روایتی پیدا کردید بفرمایید. من تنها روایتی که با احتمال دوم «ازیده» مقداری همآهنگ است و در ذهنم بود، همین روایت است.

شاگرد۲: اصل این روایت در تهذیب است. مقداری از آن را در وسائل نیاورده اند. ادامه روایت موید نیت نیست؟

> **عن أبي خالد الواسطي قال: أتينا أبا جعفر ع في يوم يشك فيه من رمضان فإذا مائدته موضوعة و هو يأكل و نحن نريد أن نسأله فقال ادنوا الغداء إذا كان مثل هذا اليوم و لم تجئكم فيه بينة رؤية الهلال فلا تصوموا ثم قال حدثني أبي علي بن الحسين ع عن علي ع- أن رسول الله ص لما ثقل في مرضه قال أيها الناس إن السنة اثنا عشر شهرا منها أربعة حرم قال ثم قال بيده هذا رجب مفرد و ذو القعدة- و ذو الحجة و المحرم ثلاثة متواليات ألا و هذا الشهر المفروض رمضان**

> **فصوموا لرؤيته و أفطروا لرؤيته فإذا خفي الشهر فأتموا العدة شعبان ثلاثين يوما و صوموا الواحد و ثلاثين و قال بيده الواحد و اثنان و ثلاثة واحد و اثنان و ثلاثة و يزوي إبهامه ثم قال أيها الناس شهر كذا و شهر كذا و قال علي ع صمنا مع رسول الله ص- تسعة و عشرين يوما و لم نقضه و رآه تاما و قال علي ع قال رسول الله ص من أفطر في رمضان يوما من غير متعمد فليس بمؤمن بالله و لا بي**
>
> **[2]**

استاد: نه دیگر، حضرت فرمودند روز سی و یک را بگیرید. خب روز سی و یکم قطعاً اول ماه مبارک است. حضرت فرمودند «اتموا العدة ثلاثین»؛ یعنی سی روز را روزه نگیرید.

شاگرد: یعنی به نیت شعبان بگیریم طوری نیست.

استاد: ولی نگفتند. حضرت فرمودند «فاتموا العدة ثلاثین»، یعنی سی روز را روزه نگیرید. فصوموا سی و یکم را. یعنی سی و یکم قطعاً ماه مبارک است، لذا روزه بگیرید. اما نفرمودند سیام را به فلان نیت بگیرید ای نگیرید، بلکه فرمودند نگیرید. اتموا العدة. یعنی همینطوری که روزه نمیگرفتید آن را تا سی تا ببرید. نه اینکه روزه بگیرید.

شاگرد۲: فإذا خفي الشهر فأتموا العدة شعبان ثلاثين يوما

استاد: حال شما دوباره نگاه بکنید.

شاگرد: از تعابیری مانند «غم علیکم» زیاد داریم.

استاد: الآن میرسیم. در همین روایت دوم با همین «غم» کار داریم.

شاگرد: ممکن است که حضرت با تعبیر «من الحق» دارند به خودشان میگویند. چون اگر ایشان روزه میگرفتند، آقایان میدیدند که ایشان روزه هستند و میگفتند ما هم روزه میگیریم، یعنی مراجعه آنها برای این بوده که ببینند امروز اصلاً اول ماه هست یا نه. اگر حضرت روزه میگرفتند عملاً میگفتند که امروز اول ماه است و امروز روزه را بگیریم. اما حضرت که میفرمایند «من الحق» یعنی ناظر به خودشان است. یعنی احتمال آن میرود. یعنی اگر روزه بگیرم دارم الحاق میکنم.

استاد: یعنی چون امام هستم ولو نیت شعبان بکنم، گویا الحاق کردهام. چون منصب امام و اینکه کار ایشان معرضیت داشت، باعث شده که اینطور حرف بزنند. ائمه برخی از اوقات این را کاملاً جا میدادند. یعنی عملاً کاری میکردند که صوم یوم الشک به‌عنوان یک چیزی باشد که شارع میخواهد اصلش نیاید؛ اصل به‌عنوان پایه - نه اینکه مستحب نباشد. یعنی میخواهد به‌عنوان امر امت السلامیه جا نگیرد- ائمه تا میدیدند که این دارد کمرنگ میشود آن را پررنگ میکردند. باید تجدیدپذیر باشد. الآن هم همینطور است. الآن هم اگر یک فقیهی باشد که ببیند دارد صبغه وجوب میگیرد، فوری میگوید نگیرید؛ بیایید اینجا من خودم بخورم تا همه ببینید که امروز از روزهایی است که مطلوب شارع است که آن را روزه نگیرید. فردا روزه بگیرید. حال به خانه هایی بیایید که همه روزه میگیرند و بچههایی هستند که همه نگاه به پدر و مادر میکنند. او هم میخواهد بگیرد. و لوازمی که دارد. یعنی عملاً یک روزی که یوم الشک است و فی الجمله برای کسانی که قدرت استیفاء منفعت را دارند، کمکم طوری میشود که برای اضعف امت هم میخواهد جا باز کند.

شاگرد: روایت دیگری هم مانند این روایت هست که می‌گوید بر حضرت وارد شدم و ایشان غذا می‌خوردند.

استاد: روایتی است که الآن می‌خواهم آن را بگویم.

شاگرد۲: این روایت اول برای کدام باب بود؟

استاد: باب پنجم، ابواب وجوب صوم، روایت دوم.

شاگرد: روایت قبلی باب شانزدهم بود.

استاد: بله، باب شانزدهم ابواب احکام شهر رمضان، روایت اول.

> 30:04

شاگرد۲: «من الحق» آن برای خود پیامبر است، برای آن‌ها نیست.

استاد: بله، ایشان هم منکر این نبودند که الحق را حضرت فرمودند. گفتند «الحق» که حضرت فرمودند، امام الآن بر خودشان تطبیق می‌کنند. یعنی منافاتی با نیت نداشته.

شاگرد: مگر نقل از رسول الله نیست؟ رسول الله آن موقع این کلام را فرموده‌اند. وقتی در همان زمان رسول الله فرموده‌اند دیگر معنا ندارد که امام علیه‌السلام بر خودشان منطبق کنند. «ال یؤمن بالله و ال بی» کلام رسول الله است.

استاد: بله، «الحق» که حضرت فرمودند در این مقامی که حضرت تطبیق کردند، اگر خودشان آن شأنیت را نداشتند، ممکن بود که آن را نگویند. این فرمایش ایشان است.

شاگرد۲: یک احتمال است، ظاهر که نیست.

استاد: بله، این‌ها احتمالاتی است. اگر بخواهیم در مباحثه هر احتمالی را ترجیح بدهیم و سر برسانیم و بگوییم چند درجه دارد، خیلی طولانی می‌شود. من می‌گویم که مطرح شود. شما در مباحثه خودتان آن را بحث کنید و مطالعه کنید.

---

[1] همان ج۷ص۲۱۶

[2] تهذيب الأحكام (تحقيق خرسان)، ج۴، ص: ۱۶۱

بازبینی #1
ایجاد شده 30 مه 2026 12:48:51 توسط ... .
به روزرسانی شده 30 مه 2026 12:51:41 توسط ... .